



مجموع فروش چهاردهمین حراج تهران ۴۲ میلیارد و ۷۱۸ میلیون تومان اعلام شد که این رقم در مقایسه با دوره گذشته که در دی ماه ۹۹ برگزار شده، به کمتر از نصف رسیده است. به گزارش ایسنا، چهاردهمین دوره حراج تهران عصر پنجشنبه – ۲۱ مرداد ماه – با اجرای حسین پاکدل برگزار شد و رقم اعلام شده برای فروش آثار در مجموع به ۴۲ میلیارد و ۷۱۸ میلیون تومان رسید. این عدد برای دوره سیزدهم ۸۷ میلیارد و ۹۲۲ میلیون تومان اعلام شده بود. همچنین گران ترین اثر این حراجی به تابلوی نقاشی «روز و شب را می‌شمارم، روز و شب» اثر رضا درخشانی اختصاص داشت که در این دوره از حراج با دو اثر حضور

آغداشلو در دوره قبل رکورد گرانتقیمت‌ترین اثر به فروش رسیده در حراج را شکسته بود. تابلوهای بزرگ و عظیم رضا درخشانی، صحنه درشت‌نمایی و وسعت بخشینی به دستاوردهای کهن نگارینه‌های شرقی است که در بیانی معاصر بازآفرینی می‌شوند. «روز و شب را می‌شمارم، روز و شب» به مجموعه شب و روز و درختان انجیر تعلق دارد. در این مجموعه، هنرمند از دو وجه مشترک در خلق آثار مجموعه استفاده کرده است؛ نخست آن که تمامی مجموعه از دو لته تشکیل شده‌اند که فرم‌های مختلف گیاهی را



داشت. تابلوی درخشانی با ۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان در مقابل گران‌ترین اثر حراجی سبیزدهم به قیمت ۱۲ میلیارد تومان قرار می‌گیرد که متعلق به آیدین آغداشلو بود.

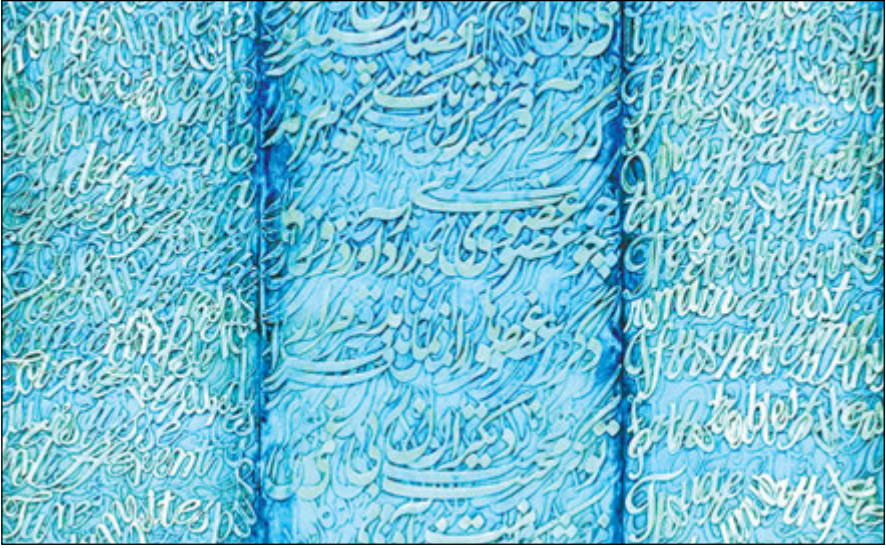
علی سلیمانی هم قربانی کرونا شد



علی سلیمانی سرنسری، بازیگر تئاتر و سینما و تلویزیون ایران در بامداد سومین روز محرم ۱۴۰۰ پس از چند روز مبارزه با ویروس کرونا در ۵۰ سالگی جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. به گزارش هنر آنلاین، سلیمانی که ارادت خود را به اهل بیت علیهم‌السلام و شهدا به ویژه امام حسین علیهِالسلام بارها نشان داده بود، صبح پنجشنبه ۲۱ مرداد (سوم محرم) از این دنیای فانی رفت و در دیدار مولایش شستانتاز، از آخرین نقش‌آفرینی‌های ماندگار او فیلم سینمایی تحسین‌شده «تنگ ابوقریب» بود که سلیمانی در آن به زبان آذری برای حضرت ابوالفضل(ع) نوحه می‌خواند و همراه هم‌زمان و رزمندگان سینه می‌زند. زنده‌یاد سلیمانی اوایل دهه ۷۰ با «سفر به خیر» داریوش مودیبان وارد سینما شد و اندکی بعد با دو فیلم دفاع مقدسی و تحسین‌شده «جगत‌یاقتگان» و «سفر به جزایه» به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور جای پایش را در دنیای بازیگری محکم کرد. «سگ‌کشی» بهرام بیضایی، «جهان پهلوان تختی» بهروز افخمی، «فراج سسمی» ملاقلی‌پور، «بی‌پولی» حمید نعمت‌الله، «کبک‌ب» از اسمن، «شوتگل»، «به‌وقت خماری» و… دیگر فیلم‌های سینمایی کارنامه مرحوم سلیمانی است. او در عرصه تئاتر هم حضوری همیشگی داشت و چند کار هم خودش به صحنه برد. تله‌تئاتر ماندگار «عزیز مایی»

فروش چهاردهم به نصف رسید

میلاردی‌های حراج تهران را بشناسید



مثبت و منفی یکی، در دیگری جابه‌جا می‌شود. با این حال دو تابلو به لحاظ فرمی مکمل نیستند و نوعی قرینه در بی‌قرینگی در اثر دیده می‌شود که تابلو را به لحاظ کلی پویا می‌کند. دومین اثر رضا درخشانی با عنوان «هجرت طلایی» در ابعاد ۱۵۰×۱۸۰ سانتیمتر هم میلاردی شد و به قیمت یک میلیارد و صد میلیون تومان فروخته شد. این اثر در سال ۱۳۸۳ خلق شده است. دیگر اثر میلاردی حراج چهاردهم، تابلوی «گنبد آبی» اثر وی. زی. کلمی (کامران یوسف زاده) بود که به مبلغ ۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان فروخته شد. کامران یوسف‌زاده هنرمند ایرانی که با نام مستعار «وای زی کلمی» در فضای هنری امریکا (نیویورک) شناخته می‌شود، دوره‌های کاری متفاوتی را تجربه کرده است.

دو مجموعه «گنبدها و دست‌های نمازگزاران» و «عبادت‌های بی‌پایان» که اثر حاضر مهم‌ترین تابلو از دستاوردهای هنرمند و از همین دوره به حساب می‌آید، بر اساس نگاهی ژرف به ارتباط انسان و خاطراتش از جهان بیرون و تأثیر مذاهب در تعالی روح انسانی شکل گرفته است. در این زمینه هنرمند می‌گوید تا مفهومی آسمانی را از چشم‌اندازی تازه پیش روی مخاطب قرار دهد و تأثیر عمیقی را که از معماری دنیای شرق و به‌خصوص جهان اسلام گرفته، با بیانی معاصر به نمایش بگذارد. در تابلوی حاضر، وای زی کلمی در تلاش برای ایجاد پلی میان مفهوم و ساختاری مشابه بین فرم گنبدها با چیدمانی مرکزگرا از آجر و چهره انسان‌هاست. در چهاردهمین حراج تهران، همچنین فرهاد مشیری با تابلوی «ماه رزها» حضور داشت که این اثر ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان فروخته شد. این اثر که سال ۱۳۹۱ خلق شده، در دسامبر ۲۰۱۹ در حراج کریستیز دویی هم ارائه شده است. در «ماه رزها»، رنگ صورتی زمینه در کنار به‌کارگیری انواع سنگ و مرابدهای شیشه‌ای، منجوق‌دوزی‌ها و پروانه‌های پلاستیکی، هنری خام‌سسته و کچی را در شکل داده است که از بیانگری فرمالیستی و



معیارهای زیبایی‌شناسانه مدرن فاصله دارد. کودکی در میانه تصویر دیده می‌شود که چاقویی را در دست گرفته و در نوشتار انگلیسی «ماه رزها» چاقوهایی با دسته پلاستیکی سفید فرو رفته‌اند. این اثر متعلق به مجموعه‌ای است که هنرمند با تأثیر از کارت‌پستال‌های مخصوص فصل جشن از برند لویی‌ویتون کار کرده است. «همپراتور مطرود» از آثار واحد خاکدان دیگر اثر میلاردی حراج مرداد ماه ۱۴۰۰، با قیمت یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان چک خورد. این اثر سال ۱۳۹۶ خلق شده است و در هشتمین حراج تهران هم عرضه شده بود. تابلوی نقاشی «بندبازها» اثر آویش خیره زاده هم یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان فروش رفت. نقاشی‌های ساده و طراحی‌گونه آویش خیره‌زاده تجربیاتی سراسرت، ساده و رویاگونه از زندگی انسان صنعتی معاصر و ارتباط تقلیل‌رفته‌اش با طبیعت است.

آثاری که بر محور «تهنایی» شکل گرفته و به تمامی عناصر تصویری ارزشی یکسان می‌بخشد و تلاش می‌کند ارتباط میان انسان و محیط طبیعی او را بازتعریف کند. در این حراجی همچنین اثر بدون عنوان از مجموعه کرامت انسانی محمود زنده‌رودی با قیمت یک میلیارد و صد میلیون تومان فروش رفت. در این اثر ستون‌بندی‌های متشکل از انواع حروف نستعلیق فارسی و خط تحریری لاتین، مصرع معروف «بنی‌ادم اعضای یک پیکرند» از استاد سخن سعیدی به سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه در چیدمانی موج و پیوسته رایه شده است. اثر زنده رودی به همراه ۲۹ تابلوی دیگر (با مضمونی مشابه) در نمایشگاهی با عنوان «کرامت انسانی» در سال ۲۰۱۴ در محل سازمان ملل متحد به نمایش درآمد. در چهاردهمین حراج تهران تابلوی عکس بدون عنوان از مجموعه سفید برقی اثر عباس کیارستمی با قیمت ۸۵۰ میلیون تومان، اثر دو لته ای «پارلمان» اثر مهرداد محبعلی ۸۰۰ میلیون تومان و اثر جمعی کامبیز صبری بدون‌عنوان از مجموعه «تا جایی که بیدار دارم»، به قیمت ۶۰۰ میلیون تومان فروخته شدند.

پیکر ارشا اقدسی خاکسپاری شد



پیکر ارشا اقدسی صبح جمعه، ۲۲ مردادماه در پیست بوستان ولایت به سمت خانه ابدی بدرقه و سپس در قطعه هنرمندان خاکسپاری شد. مادرش در این مراسم خطاب به او گفت: «دیدار دور نویست» به گزارش ایسنا، در بوستان «ولایت» مراسم بدرقه‌ای با حضور محدودی از دوستان و خانواده این بدلکاری ایرانی برگزار شد که در این لینک قابل مشاهده است و پس از آن با رسیدن پیکر مرحوم ارشا اقدسی به بهشت زهرا ، مراسم تدفین این بدلکار سینما از ساعت ۱۰ تا نواختن طبل و سنج به شیوه عزاداری جنوبی‌ها آغاز شد.

این مراسم با اجرای سید جوادهاشمی همراه بود و البته جمعیت قابل توجهی نیز از همکاران علاقه‌مندان ارشا اقدسی، در محل حضور داشتند. (این در حالی بود که به دلیل شیوع کرونا از علاقه مندان خواسته شده بود از فضای مجازی این مراسم را دنبال کنند).

علیرضا فروزه شاعر که در دهلی‌نو به سر می‌برد، شعری را برای ارشا اقدسی سروده است که به نام پیمان ابدی و بدلکاری این دو اشاره داشت و توسط جوادهاشمی قرائت شد.

پیکر ارشا اقدسی با روضه و تلقین خوانی جوادهاشمی در طبقه فوقانی مزار پیمان ابدی به خاک سپرده شد.

هاشمی پس از پایان مراسم بیان کرد: ارشا قبل از رفتن، از مرگش زیاد صحبت کرده بود و به استقبال

ماجرای طراحی استودیو صدای رودکی به روایت اُرد آنزایی‌پور

گامی بلند در راستای حمایت از موسیقی ایران

سازهای ارکستری به تعداد کمتر. از طرف دیگر ممکن بود گفتار ضبط شود و بین آنها هم سازهای دیگر و آواز. این انتظارها گستره متنوعی از آکوستیک می‌طلبد، به این خاطر که ما برای گفتار تقریباً به آکوستیک نسبتاً مرده نیاز داریم و در مقابل برای سازهای ارکستری به آکوستیک زنده‌تر نیاز است.

انزایی‌پور با تأکید بر اینکه فضای استودیو رودکی

برای ضبط ارکستر مناسب نیست و تنها برای سازهای

ارکستری به تعداد کم می‌تواند استفاده شود، ادامه

داد: بنابراین باید طراحی انجام می‌شد که بتواند همه

این نیازها را پوشش دهد.
احیاناً هم این علاقه وجود

داشت که در موارد خاصی بشود گروه‌های کوچکی برای

اجراهای زنده با تعداد کم نوازنده اجرا کنند. در نتیجه

لازم بود آکوستیک متغیر مغزیا داشته باشیم تا پاسخگوی این

نیازها باشد.
طراح استودیو بنیاد رودکی در ادامه گفت:

علاوه بر این موارد بنیاد رودکی علاقمند بود معماری

استودیو شکل مدرن داشته باشد و از حالت متعارفی که

هست مقداری جدیدتر به نظر برسد.
با در نظر گرفتن

همه این موارد ما دنبال طرحی بودیم که اجرای آن

خیلی پیچیده نباشد و در عین حال بتواند همه نیازها

را پشتیبانی کند.
به این ترتیب، از دوست عزیزم جناب

مهندس مهرداد احمدزاده که طراحی باغ کتاب و خیلی

مجموعه‌های دیگر را هم بر عهده داشته، دعوت کردم و به این

خواستم در این زمینه کمک کند و ما اینجا را به اتفاق هم

جلو ببریم.
وی افزود: به این ترتیب آکوستیک و کانسپت

کنیم و بعد ببینیم چطور نتیجه می‌دهد.

فرهنگی

تکه

نامه یک کارگردان به رئیس صداوسیما

سریال را تکه تکه پخش کردند

قاسم جعفری



قاسم جعفری، کارگردان تلویزیون در نامه‌ای به رئیس صداوسیما به بیان دغدغه‌هایش پرداخته است. متن کامل این دست نوشته به شرح زیر است:
با سلام

زندگی زیباست اگرچه

فکرهم‌میهنانی باشیم که به مانند دروطن و زندگی درخاکشان افتخار می‌کنند و با همه بحران‌های پیش رو کنارآمده و به فردهایی روشن می‌اندیشند.

با وجود همه بی‌مهری‌هایی که توسط شما وهمفکرانتان، که خود را قیم همه مردم می‌دانید برسرشان می‌آید.

من قاسم جعفری کارگردان سریال شره‌شهرچه شده «زندگی زیباست» هستم، بایک جست و جوی ساده متوجه خواهید شد قاسم جعفری، سازنده پرمخاطب ترین سریال‌های تلویزیون ازجمله «مسافری ازهند» (۹۶با) درصدیبنده، «خط قرمز» (با ۹۰ا) درصدیبنده) است. سریال «کمکم کن» (با ۹۴با) درصدیبنده) که به عنوان اولین سریال ماورایی تلویزیون ساخته و فقط به لیدل پذیرفتن ساخت سریال‌های سفارشی، امنیتی وشعاری ازال ۱۳۸۵ تا امروز (یعنی ۱۵ سال) حق فعالیت در صداوسیما را نداشته ام واگراین روزها تکه پاره‌های «زندگی زیباست» بعد ازسه سال توقیف بروی آنتن شبکه ۲ رفته، پذیرفتن بی چون وچرای سانسورهای بی رحمانه وسیار کودکانه ای است که درتاریخ سریال سازی این مرزوبوم تاریگی دارد.

سروششت سریال من مثال درختی است که از ریشه قطعش کرده‌اند و تنه درخت را درخاک خشکی قرارداده و می‌خواهند بی آب وکود سبزباشد وبار دهد. بیش از ۶۰۰ دقیقه و با به عبارتی ۱۵ قسمت ازسریال را سانسور کرده‌اید، عوانش را از «عشق» به «زندگی زیباست» تغییرداده وهشت قسمت ابتدایی سریال که معرف هویت قهرمان‌های سریال بوده را بدون نمایش حتی یک سکانس حذف کرده‌اید، بدون اطلاع من به عنوان خالق اثر، سریال را تدوین و صداگذاری کرده و بر آن موسیقی گناشته و بدون اعلام قبلی و به یکباره روانه آنتن کرده اید وکارمند تهیه کننده‌تان درتمام رسانه‌ها وسایت‌ها اعلام می‌کند سریال بدون سانسور در حال پخش است و وقتی دیگر هنرمندان سریال درمورد سانسور می‌گویند، با قدرتی که دراختیار دارید قدیمی‌ترین خیرگزاری مملکت را واداربه حذف مصاحبه ازروی سایت می‌کنید.

سریالی که در ۵۰ قسمت تولید شده ومن با اطلاع یافتن ازپخش به جای زاری برپیکر نیمه جانش حاضرشده وهرروزاز ساعت پنج صبح عدد به سلاخی وسانسور چندباره براساس نظرات دلواپسان ناشناس و غیرقابل گفت‌وگو می‌نم تا حداقل مردم بتوانند دراین روزگارغریب کرونایی سریالی سروشکل دارتر ببینند، با همه حذفیات ناجولمرانده ای که به کار تحمیل شده است.

شک ندارم جوابی به این نامه‌ام نخواهید داد ومن فقط برای ثبت درحافظه مردم کشورم این نامه را می‌نویسم، مردمی که دیگرچشمشان به رسانه میلی شما نیست و فرستنده‌هایشان رسانه غیبارگرفته شما را نمی‌بینند، چون با هر نگاه، صدا وتصویری مخالفت می‌کنید، نخبه‌کسی امرامتان شده و چشم وگوش‌هایتان را بر حقیقتی که درجامعه رخ داده بسته اید. کجا هستند کارگردانی که با آثارشان مخاطب را پای تلویزیون می‌نشانند؟ کجاست عادلی که یک تکه بارهمه ورزش رسانه را با برنامه‌اش به دوش می‌کشد؟ چرا مزدک میزبانی‌ها ناچاربه ترک وطن می‌شوند ؟ مسرا منتم تنکید که معاندم و همه اینها را می‌گویم چون دنبال رفتنم، من دراین خاک ریشه دارم، خون بسیاری ازعزیزانم بروی این خاک و برای دفاع ازوطن ریخته شده، بهترین‌هایم دراین سرزمین آرمیده‌اند. نه قصد مهاجرت دارم و پناهندهگی …پس ازسسالها ممنوع‌الکاری در تلویزیون دیگربرایم مهم نیست فیلمنامه‌ای

بنویسم وبا سریالی کارگردانی کنم و دلخوشم به همان سریال‌هایی که دراین زمانه اسنم آوردن از آنها جرم است ولی درحافظه مردم به خوبی نقش بسته اند وبه زعم همفکران شما جریان‌سازبوده است، چه بهترازاین که نگاه‌هایی مثل من نباشند وشما همچنان ۴۰۳ وبی نهایت سریال‌هایی را تولید کنید که نه حرف تازه ای دارند، نه دردمندی مردم سرزمینتان درآنها دیده می‌شود و نه دغدغه نسل جوان است.

بدنیست بدانید از صفرتا صد تولید این سریال تحت بیشتترین نظارت‌ها بوده ویکباربه‌مدت یکماه فیلمبرداری توسط مدیرشکه ۲ که درکارنامه اش ۴۲ سال مدیریت فرهنگی (به سن انقلاب اسلامی) دارد تعطیل شد تا مجددا بررسی‌های کارشناسانه‌تری صورت بگیرد، مدیرمحرتمی که ازسال ۱۳۵۸ تاکنون برسیاری از سنسدهای فرهنگی کشور (شبکه‌های گوناگون سیما، رادیو، سازمان سینمایی، بنیادفآرایی و…) تکیه زده ولی سه سال تمام ازپخش سریالی که به سفارش خودش ساخته‌ام ناپذیر ازادامه حضور ونوشتن خانم جنبله درزمان ساخت سریال فقط تأکید کرد سریالی بسازم که باه‌های میزش سست نشود!! چه کسی بایدجواب حیف ومیل بیت‌المالی اربابده که هزینه ساخت ۱۵ قسمت به نمایش درنیامده سریال من شد؟ چرا ۴۲عدد سال مدیریت فرهنگی درسطوح مختلف همچنان باید شرایط فرهنگی مان این باشد؟ درشبه همین مدیرحسنگی ناپذیر ازادامه حضور ونوشتن خانم جنبله دارالشفای یکی ازنویسندگان سریال که پخش زیادی ازسریال وشخصیت‌ها را نوشتند جلوگیری وحتی پس ازسه سال، آوردن نامش درتیتراژ واخبار سریال ممنوع شد. نویسنده دیگرسریال ترجیح داد باوجود نگارش کامل ۲۰ قسمت سریال، اسنش حضور سریال نباشد تابعدها حضورش دراین سریال مانع ادامه فعالیت‌هایش درصداوسیما نباشد، ازشدت سانسورقرارشد تا حتی من به‌عنوان خالق اثراسنم درتیتراژسریال نیاید ولی همین مدیران شما شرط کردند درصورتی می‌توانی خودت بالای سر جنازه سریالت زاری کنی و سانسورهایش را انجام دهی که نامت درتیتراژ بماند، شاید به تصورخوشان برای لطمه به اعتبارگذشته ام درسریال‌سازی ! ولی عاشق و به خاطرچوشان بی نام نشان وتحصیل کرده وتئاتری که عاشقانه دراین کار با دستمزدی کمترازحقوق ماهانه یک کارگرساده با هنرمندی تمام بازی کردند و هنوز حق الزحمه‌اشان را نساده‌اید، با افتخار نامم را درسریال آوردم تا بتوانم به‌عنوان کارگردان دسترسی به تکه پاره‌های سریال‌م داشته باشم و ازحق پامال شده گروهم دفاع کنم.

اززندگی زیباست(که سه سال در کمدهای درسته تلویزیون خاک خورد می‌خواهد بگوید با عشق زندگی کنید، عشقی که گویا دراین زمانه عنوان مجرمانه‌ای درسانه شما محسوب می‌شود، می‌خواهد به جوان امروزی بگوید ازدواج کن. عاشق باش. بمان و تلاش کن باهمه سختی‌ها، کاشانه ای برای خودت بساز…از این سرزمین نرو.

هویت وخاک وطن تو با ارزش است و … فقط به جای بند واندزهای یک روحانی تکراری در همه سریال‌هایتان یک مادر، کی زن (با بازی خانم نریاقاسمی) اینها را می‌گویند. به جای نشاندن جوانان روی سجاده و خواندن نماز وبی دربی رفتن به امامزاده‌ها، آنها رویه دریا با خدا پشان گفت‌وگومی کنند.

لامذهب نیستند و اتفاقا به سفرمشهد می‌روند ومتوسل می‌شوند ولی نه با شعار و شیوه تکراری و نخنما شده ومورد پسند شما.

آقای علی عسگری … من یک فیلمسازم نه برانداز، کجا کار کنم وحرفم را بزنم؟ کجا ازرد وغم مردم سرزمینم، ازعشق و از دغدغه‌های جوانان وطنم بگویم؟ دیگر سریال سازها را با همین رفتارو سانسورها به جایی رساندید که ازتلویزیون فرارکنند و به شبکه خانگی پناه ببرند.حالا که صداوسیماپتان آنجا را هم دست گرفته و سانسور را حاکم کرده، تکلیف چیست؟

سالهاقبل باخط قرمزازهمه موانع عبورکردم وروزی با مسافری ازهند مسلمان بودن شناسنامه‌ای خودمان راانقدکردم وامروز بازندگی زیباست (باهمه زخمهایی که برتن دارد) می‌گویم ماهستیم ولی دلواپسان می‌آیند (وزودترازآن که فکرش رابکتمی بی هیچ افتخارونشناسی خواهدرفت، امثال من فریاد مردمی خودش بایدکنند شما صدایشان رادرسره آنتن خفه کردید و فردایی که خیلی دورنیست، آیندگان درموردشماکه مدبربزرگترین رسانه این مرزوبود بویدنظرخواهند داد.

کاش قبل ازرفتن کمی به خودتان بیابید وتغییری ایجادکنید، هرچند اندک اما در فردای جامعه تاثیرش را خواهید دید. فردایی که خیلی دیرنیست، درغیران دیگرمردم این سرزمین رسانه شما را نخواهنددید.

شما بانفکر خودتان مظلوم ملطم خویش هستید و با این رفتارومتش به زودی کر کره تلویزیون را باید پایین کشیدچه چه دوست داشته باشید وبخواهید و یا نخواهید ودوست نداشته باشید.

☞نویسنده وکارگردان سینماوتلویزیون